

Clarifying the Pattern of Linking Hearts and Measuring Its Relation to the Sign Structure of the Holy Qur'an

Mansor Pahlavan Mohammad Ali¹
Ramin Tayyarinejhad²

Received :2022/04/13

Accepted: 2022/10/09

DOI: 10.22051/TQH.2022.40059.3575

DOR: 10.22051/TQH.2022.40059.3575

Abstract

The Holy Qur'an introduces the "signs" (āyāt), their examples and functions, of which one may mention the "linking hearts" as a sign of such āyāt, such that many thinkers looking at the historical situation of the time of descent refer to it as a social miracle. Discovering a conceptual model for the analysis of the phenomenon of linking hearts is an important issue that has been neglected so far. Investigating the verses containing the concept of "linking hearts" and using the exploratory method of thematic content analysis in discovering the chain of parallel verses, as well as with a phenomenological approach to the way that the Qur'an affected the audience of the descent age, this research discovers a conceptual model of linking hearts and its relation to sign structure of the holy Qur'an. Findings show that the Qur'an draws a "system of signs" with various examples and functions in more than 300 verses; Many signs are introduced with the functions of "intellect," "contemplation," "reflection," "thinking," "learning," etc., but the function of "guidance" is only for two signs, namely "Qur'an" and "linking hearts." The emergence of the Qur'anic special guidance, which is transferred and done in the heart through listening to the recitation, is associated with the "soft heart" in the individual state and the "linking hearts" in the social state. The linking hearts is unusual, independent of material affairs and different from conventional social linking. This phenomenon, as a social manifestation of the miracle of the Qur'an, follows a certain pattern that is explained in this research.

Keywords: Holy Qur'an, Miracles of the Qur'an, Linking Hearts, Sign, Guidance, Content Analysis

¹. Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, University of Tehran, Iran. Email: pahlevan@ut.ac.ir

². PhD Candidate of Qur'an and Hadith Sciences, University of Tehran, Iran. (The Corresponding Author). Email: muhammad.tayyari@ut.ac.ir

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال بیستم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، پیاپی ۵۸

مقاله علمی-پژوهشی، صص: ۴۷-۶۹

تبیین الگوی الفت قلوب و سنجش نسبت آن با آیت‌مندی قرآن کریم

منصور پهلوان محمدعلی^۱

رامین طیارینژاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷

DOI: 10.22051/TQH.2022.40059.3575

DOR: 20.1001.1.20082681.1402.20.2.3.3

چکیده

قرآن کریم به معرفی «آیات» و مصادیق و کارکردهای آن پرداخته است. «الفت قلوب» نشانه‌ای از این دست آیات است که کثیری از اندیشمندان ناظر به وضعیت تاریخی زمانه نزول، از آن به اعجاز اجتماعی یاد کرده‌اند. کشف الگوی مفهومی برای تحلیل پدیده الفت قلوب، مسئله مهمی است که تاکنون مغفول مانده است. این تحقیق درصدد است با بررسی آیات مشتمل بر الفت قلوب و بهره‌گیری از روش اکتشافی تحلیل محتوای مضمونی در واکاوی زنجیره آیات همسو و نیز با رویکردی پدیدارشناختی به شیوه تأثیرگذاری قرآن در مخاطب عصر نزول، الگوی مفهومی الفت قلوب و نسبت آن با آیت‌مندی قرآن را تبیین نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد قرآن در بیش از ۳۰۰ آیه به ترسیم «نظامی از آیات» با مصادیق و کارکردهای گوناگون پرداخته است؛ بسیاری از آیات با کارکردهای «تعقلی»، «تفقهی»، «تذکری»، «تفکری»، «تعلیمی» و... معرفی شده‌اند، ولی کارکرد «هدایتی» تنها برای دو آیه یعنی «قرآن» و «الفت قلوب» به کار رفته است. ظهور هدایت خاص قرآنی که از طریق استماع تلاوت به قلب منتقل و در آنجا محقق می‌شود، با «لینت قلب» در ساحت فردی و «الفت قلوب» در ساحت اجتماعی همراه است. الفت قلوب امری خارق عادت، غیروابسته به شئون مادی و متفاوت با اتحادهای مرسوم اجتماعی است. این پدیده به‌عنوان بروز اجتماعی اعجاز قرآن، از الگوی معینی تبعیت می‌کند که در این پژوهش مورد تبیین قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، اعجاز قرآن، الفت قلوب، آیه، هدایت، تحلیل محتوا

^۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Pahlevan@ut.ac.ir

^۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Muhammad.tayyari@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

کاوش در مختصات محیط نزول وحی، از مؤلفه‌هایی است که معمولاً در مطالعات تاریخی مربوط به شناخت اسلام و قرآن مورد توجه است. تأکید بر این مؤلفه حتی در آیاتی از قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام به‌خصوص نهج‌البلاغه و اغلب تحت ادبیات جاهلیت مشاهده می‌شود. یکی از بارزترین مختصات عصر جاهلی عرب، نزاع‌ها و خصومت‌های دیرپا و خونین میان قبایل عرب بوده که بعضاً عمر آن‌ها به بیش از یک قرن می‌رسیده است. تحوّل شگرف و ناگهانی در خلیفات و روال زندگی مردمان عصر نزول دقیقاً پس از بعثت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه و آله و همزمان با نزول وحی، بسیاری از مورخان، اندیشمندان دینی و علاقه‌مندان به مطالعه تحولات اجتماعی را بر آن داشته تا به تحلیل و پدیدارشناختی احوال عرب عصر نزول اقدام کنند؛ یکی از تحولات مشهود در آن عصر، برادری و پیوند محکم میان قبایلی بود که مخاطب اولیه وحی قرار گرفته بودند و سال‌های مدیدی در جنگ علیه همدیگر قرار داشتند. عده‌ای این تحوّل اجتماعی را که در مدت زمان بسیار کمی رخ داده، جزو خوارق عادت اسلام به شمار آورده‌اند. ابن خلدون می‌گوید: «أمر الدین و الإسلام کان کله بخوارق العادة من تألیف القلوب علیه و استماتة الناس دونه» (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۶۵)؛ وی در جای دیگری، خوارق عادت را افعالی می‌داند که بشر عادی از آوردن مثل آن عاجز است و به همین خاطر معجزه نامیده می‌شود (همان، ج ۱، ص ۱۱۷)؛ قرآن نیز از این تحوّل به «الفت قلوب» یاد نموده که موجب پیوند «اخوت» میان مردمان شده و ظرفیت آن را دارد تا در هدایت‌گری مردم ایفای نقش نماید. آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران، مشتمل بر همین مطلب است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل‌عمران: ۱۰۳)؛ همچنان که از ظاهر آیه پیدا است، «الفت قلوب» میان مردم عصر حجاز یکی از آیات الهی برشمرده شده است. بر این پایه، عده‌ای از الفت قلوب به‌عنوان یکی از معجزات حضرت رسول (ص) یاد کرده‌اند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۳۶۷) و بعضی مفسران از آن به‌منزله «معجزه بزرگ اجتماعی اسلام» تعبیر نموده و اقوال دانشمندان جهان را در اظهار شگفتی از این پدیده‌ی غیرعادی نقل کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۰)؛ در این زمینه دو مسئله اصلی و فرعی ذیل وجود دارد:

- مسئله اصلی: اساساً عرب جاهلی که سال‌های مدیدی با هم در قتل و خونریزی بودند و به تعبیر قرآن «عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ: بر لبه پرتگاه آتش» قرار داشتند، با چه سازوکار و الگویی میان قلوب آن‌ها الفت برقرار شد؟

- مسئله فرعی: آیا می‌توان نسبتی میان پدیده الفت قلوب با اعجاز قرآن کریم قائل شد؟

این پژوهش با هدف پاسخ به پرسش‌های مزبور سامان یافته است؛ برای این کار، در کنار بررسی‌های پدیدارشناختی ناظر به قرآن و آثار و کارکردهای آن در میان مردمان عصر نزول وحی، لازم است منطق

قرآن نیز در این زمینه کشف و ارائه شود. بهره بردن از روش تحلیل محتوای مضمونی برای شناسایی آیات مرتبط و تحلیل آن‌ها، روشی است که در استنباط دیدگاه قرآن به کار گرفته می‌شود. بیان این نکته حائز اهمیت است که آن‌چه این تحقیق درصدد انجام آن است، با موضوع «تألیف قلوب» به‌عنوان یکی صنف چهارم از موارد مصرف زکات که در کتب فقهی شیعی مورد توجه قرار گرفته است، متفاوت می‌باشد. این تحقیق می‌خواهد الفت قلوب را به‌عنوان یک عامل در یکپارچگی اقوام عرب که در دو آیه از قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته و از آن به «آیه» تعبیر شده است، بررسی نماید.

۱. پیشینه پژوهش

پس از بررسی‌های صورت‌گرفته در بانک مقالات و پایان‌نامه‌ها، اثری که مستقلاً پدیده الفت قلوب را موضوع پژوهش قرار داده باشد، یافت نشد. این پژوهش از این حیث که درصدد بیان منطق و کشف الگوی الفت قلوب و نیز بررسی نسبت آن با اعجاز قرآن کریم است، نوآوری دارد و می‌تواند حاوی دلالت‌های مهمی در مبحث اعجاز قرآن باشد.

۲. اصطلاح‌شناسی تحقیق

در ذیل، معنای اصطلاحات کلیدی که فهم پژوهش به آن‌ها وابسته است، می‌آید.

۲/۱. الفت قلوب

الفت از ریشه «ألف» به‌معنای انضمام و پیوستگی چیزی به چیزی است که درباره هر چیزی صادق است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۳۶ و ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۱)؛ عده‌ای آن را از ریشه «إلف» به‌معنای اجتماع توأم با التیام دانسته‌اند و لذا عدد هزار را به‌این‌خاطر «الألف» می‌گویند که همه اعداد در آن جمع شده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۱)؛ ملازمت و مؤانست و اتصال چیزی با چیزی و نیز اجتماع گروهی پس از تفرقه از دیگر معانی مشتقات «ألف» برشمرده شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۰). البته عده‌ای میان اجتماع با تألیف فرق قائل شده‌اند. به این معنا که اجتماع، لزوماً افاده موافقت نمی‌کند، اما الفت بر موافقت و مودت و خلوص نسبت به همدیگر دلالت دارد. مضاف بر این‌که گفته شده معنای «لینت و نرمی» نیز به اصطلاح تألیف بازگشت دارد (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۱۳۷).

قلب در ادبیات دین، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ بسامد این واژه در ۱۲۶ آیه و تکرار آن به میزان ۱۳۳ مرتبه، حاکی از چنان اهمیتی است. مفهوم‌شناسی قلب در سه حوزه قابل بررسی است؛ قلب نزد لغت‌پژوهان، قلب در حوزه معرفت‌شناختی و قلب در ادبیات قرآن. اهل لغت قلب را به دو وجه اسمی و فعلی معنا کرده‌اند. قلب گاهی به‌عنوان یک عضو بدن قلمداد شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۷۰). ابن‌فارس برای قلب دو اصل معنایی بیان می‌کند؛ یکی این‌که قلب بر خالص و اشرف هر چیزی اطلاق می‌شود و دیگر این‌که به معنای بازگشت چیزی از وجهی به وجه دیگر است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۷)؛ دگرگونی چیزی از وجهی به وجه دیگر را می‌توان عمده‌ترین مفهومی دانست که اهل لغت بیان

کرده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۸۵ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۸۱). قلب هم شأن ادراکی و هم شأن عاطفی دارد. در لسان روایات، قلب امیر جوارح نامیده شده که تعقل و تفهم به واسطه آن صورت می‌پذیرد: «وَفَرَضَ عَلَى الْقَلْبِ وَ هُوَ أَمِيرُ الْجَوَارِحِ الَّذِي بِهِ تَعْقِلُ وَ تَفْهَمُ...» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۲۷). ملاصدرا با اشاره به همین روایت، قلب را «امیر الحواس» نامیده که هیچ فعلی توسط انسان جز به اراده قلب صورت نمی‌گیرد (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۱۱). در قرآن علاوه بر آن که اموری چون «تدبر» (محمد: ۲۴)، «تفقه» (أنعام: ۲۵) و «تعقل» (حج: ۴۶) به قلب نسبت داده شده است، «حب» (بقره: ۹۳)، «غیظ» (توبه: ۱۵)، «اطمینان» (رعد: ۲۸)، «رعب و وجل» (آل‌عمران: ۱۵۱ و حج: ۳۵)، «خشوع» (حدید: ۱۶)، «رأفت و رحمت» (حدید: ۲۷)، «غلّ و کینه» (حشر: ۱۰)، «سکینه» (فتح: ۴) نیز به قلب مربوط شده است. بر این اساس قلب ضمن آن‌که از مدرکات اصلی قلمداد می‌شود، عواطف و افعال انسان را نیز مدیریت می‌کند و به تعبیری، قلب تمام جان انسان است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۴۶) و ادراکات آن ارتباط تنگاتنگی با معرفت حضوری و شهودی از ناحیه خداوند دارد (واعظی و جدی، ۱۳۹۹، ص ۲۴۳).

ذیل گزاره «...وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (أنفال: ۲۴)، روایاتی وجود دارد که از نقش و جایگاه منحصره‌فرد قلب پرده برمی‌دارد. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «يَحُولُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ الْبَاطِلَ حَقٌّ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۳۷)؛ یعنی خداوند مانع از این می‌شود که قلب انسان، باطل را حق بداند. در روایت دیگری که قرابت زیادی با این روایت دارد، نقل شده است: «لا يستيقن القلب أن الحق باطل أبداً و لا يستيقن أن الباطل حق أبداً» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۶۶)؛ یعنی قلب هرگز به‌گونه‌ای نیست که حق را باطل و باطل را حق یقین کند. از این روایات برمی‌آید که قلب انسان تحت تدبیر الهی قرار دارد. قلب با حق آمیخته شده و این قلب است که می‌تواند نقش منحصره‌فرد معیار و میزان را در ورودی‌های دیگر مدرکات انسان ایفا نماید.

۳. روش تحقیق

این تحقیق می‌خواهد با روش تحلیلی توصیفی، دو آیه مربوط به الفت قلوب یعنی آیه «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل‌عمران: ۱۰۳) و آیه «وَ أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (أنفال: ۶۳) را بررسی نماید. سپس با مبنا قرار دادن مضامین پایه این دو آیه و بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای مضمونی، زنجیره آیات همسو را گردآوری و مورد تحلیل قرار بدهد. یکی از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای در حوزه‌ی علوم انسانی که دایره وسیعی از ارتباطات اعم از گفتاری، شنیداری و نوشتاری را در بر می‌گیرد، روش تحلیل محتوا^۱ است. این روش به تحلیل ارتباطات معنادار می‌پردازد و لذا ارتباطات عامیانه‌ای که

1. Content Analysis

مفاهیم در آن‌ها روشن و بدیهی هستند را شامل نمی‌شود (باردن، ۱۳۷۵، ص ۳۰ و ۳۳)؛ ذیل روش تحلیل محتوا، انواع مختلفی فنون تعریف شده که فن «تحلیل محتوای مضمونی»^۱ جزو پرکاربردترین آن‌ها است. این فن با تمرکز بر متن و اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن اعم از کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و... به‌طور نظام‌مند سعی در تبیین و دستیابی به اندیشه‌ها، نظریه‌ها و پیام‌های موجود در یک متن دارد. در تحلیل محتوای مضمونی، سعی در یافتن هسته‌های معنی‌داری از متن است که با هم مرتبط هستند و حضور و فراوانی آن‌ها حکایت از معنایی در خصوص هدف تحقیق است (باردن، ۱۳۷۵، ص ۱۲۰)؛ در تحلیل محتوای مضمونی به عنوان نوعی از روش تحلیل محتوا، تکیه محقق بیش از هر چیزی دیگری، روی مضامین و محتوای پیام و متن است. در این روش محقق تلاش می‌کند به جای استفاده از مقیاس‌ها و پرسش‌نامه‌های از پیش طراحی‌شده، مضامین متن را مورد سنجش قرار دهد (نئوندورف، ۱۳۹۵، ص ۱۹۲ و ۱۹۳). اجرای درست روش تحلیل محتوا و استخراج یافته‌های حاصل از آن، زمینه‌ی الگویابی یا الگوبرداری از عبارات قرآنی را فراهم می‌آورد (عترت‌دوست، ۱۳۹۷، ص ۸۵). هرچند این پژوهش در «نظام‌مند» نمودن داده‌ها و «تحلیل کمی» آن‌ها به روش تحلیل محتوای مضمونی پایبند است، در مواردی به روش «تحلیل گفتمان» به عنوان یکی از روشهای تحلیل کیفی متن که نقش مکمل روش تحلیل محتوا را ایفا می‌کند، نزدیک می‌شود. در تحلیل گفتمان، بخشی از بررسی‌ها از طریق سازگاری و رابطه هم‌نشینی کلمات با همدیگر صورت می‌گیرد که یافته‌های آن منجر به تحلیل مضمونی محتوا و در نتیجه ساخت واژگان مرکزی می‌شود (نئوندورف، ۱۳۹۵، ص ۱۵ و ۱۶).

در این تحقیق از رهیافت پدیدارشناختی در بررسی الفت قلوب به‌عنوان یک پدیده تاریخی نیز استفاده خواهد شد. رهیافت پدیدارشناختی در مطالعات دینی در کنار استفاده از تحلیل‌های کیفی، راهی میانه برای تعدیل رویکردهای افراطی پوزیتویستی از یک سو و تکیه صرف بر الهیات انتزاعی از سوی دیگر است.

۴. بررسی آیات الفت قلوب

قرآن می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده و گروه گروه نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل‌های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید و بر لب گودالی از آتش بودید، ولی شما را از آن نجات داد. خدا اینگونه، نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌سازد تا هدایت شوید» (آل عمران: ۱۰۳). همچنین می‌فرماید: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (أنفال: ۶۳).

¹ Thematic Content Analysis (TCA)

از مجموع دو آیه به دست می‌آید که الفت قلوب صرفاً در دستگاه توحید محقق می‌شود و هیچ مبدأ دیگری جز خداوند ندارد و اگر الفت میان قلوب ایجاد شود، حتماً و لزوماً به دست خداوند محقق شده است. خداوند بر مبنای نظام اسباب و مسببات، تمسک به حبل‌الله را اسباب فعلیت الفت قلب‌ها قرار داده است. در آیه سوره آل‌عمران، الفت قلوب مصداق نعمت الهی دانسته شده (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۷۰ و جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۵۹۲) و اخوت ایمانی از آثار آن قلمداد شده است. مطابق گزاره «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»، الفت قلوب یکی از آیات الهی است (بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۲۳) که نقش آن در تحقق هدایت، کارکرد اصلی آن به شمار آمده است. از این آیه به معجزه بزرگ اجتماعی اسلام تعبیر شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۲۳). ابن عربی مراد از «آیت» در این آیه را تجلی صفات لطیفه الهی و اشراقات و تشعشعات نوری خداوند می‌داند و هم‌زمان تعبیر او از الفت قلوب، حبّ متقابل مسلمین و منور شدن به نور خدا است (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۱۶).

بر اساس آنچه بیان شد، شبکه‌ای از روابط معنایی میان «حبل‌الله»، «نعمت»، «الفت قلوب»، «اخوت»، «آیت» و «هدایت» مشاهده می‌شود که نوع روابط معنایی میان آن‌ها، بیان شد. اگر در این شبکه معنایی، «حبل‌الله» به عنوان مبدأ الفت قلوب فاکتور گرفته شود، آنگاه این دو گزاره به دست می‌آید:

- الفت قلوب، نعمتی است که موجب اخوت می‌شود.
- الفت قلوب، آیتی است که موجب هدایت می‌شود.

پیوند اخوت میان مسلمانان، یکی از اصول مهم اسلامی در اتحاد و اتصال اجتماعی و حفظ هویت و پیکره جامعه دینی است؛ اخوت، آن‌طور که عده‌ای گمان کرده‌اند، یک تعبیر مجازی و استعاره‌ای نیست، بلکه حاکی از نوعی قرارداد اجتماعی است که در امت اسلامی اعتبار شده است. به موجب این اصل، نظامی از مسئولیت‌های حقوقی و شرعی میان مسلمانان نسبت به همدیگر به وجود می‌آید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۱۶ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۷۳). بنابراین اصل اخوت، وضع یک قرارداد اعتباری اجتماعی میان مسلمانان است که پشتوانه معنوی آن طبق آیات مورد بحث، الفت قلوب است؛ آن‌طور که عده‌ای از مفسران پنداشته‌اند، الفت قلوب میان مسلمانان با اخوت و وحدت اجتماعی میان آن‌ها یکی نیستند و الفت قلوب امری فراتر و عمیق‌تر از پیوند اجتماعی اخوت و در نتیجه اتحاد و وحدت اجتماعی است که اگر حاصل شود، پیوند اجتماعی اخوت یکی از آثار آن خواهد بود. اتحاد و اجتماع میان یک قوم و گروه ولو بر موضوعی مادی و باطل، امری نیست که از دست بشر عادی برنیاید؛ کما اینکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام یکی از امتیازات یاران معاویه نسبت به همراهان خودش را این‌طور بیان می‌فرماید: «وَاللَّهِ يُمِيتُ الْقَلْبَ وَ يَجْلِبُ الْهَمَّ مِنْ اجْتِمَاعِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ: به خدا سوگند که اجتماع اینان بر باطلشان و پراکندگی شما از حقتان، دل را می‌میراند و باعث جلب غم و غصه است» (رضی، ۱۴۱۴، ص ۷۰)؛ معلوم می‌شود اتحاد و وحدت اجتماعی پدیده‌ای نیست که مختص به دین باشد تا یکی

از آیات الهی قلمداد شود. آنچه آیات قرآن بر آن به‌عنوان یک آیت الهی تکیه دارند، وحدت و الفتی است که کانون آن، دل‌ها باشد و این پدیده است که امری الهی و کاملاً خارج از دسترس انسان است. قرآن پس از تشریح وضع جبهه یهود در برابر جبهه اسلام، می‌فرماید: «لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» همه آنان با شما نمی‌جنگند مگر در آبادی‌هایی که دارای حصار و قلعه و دژ هستند، یا از پشت دیوارها، دلاوری آنان میان خودشان شدید است، آنان را متحد و هم‌دست می‌پنداری در حالی که دل‌هایشان پراکنده است؛ زیرا آنان گروهی هستند که تعقل نمی‌کنند» (حشر: ۱۴). این آیه آن‌گونه که برخی مفسران تصور کرده‌اند، درصدد نفی هرگونه اجتماع و اتحاد یهودیان در برابر مسلمانان نیست (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۲۵۲ و زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۰۷)، بلکه خواسته میان دو نوع وحدت تفکیک کند؛ یکی وحدت و انسجام ظاهری بر حول منافع مادی که یهودیان و هر گروه دیگری می‌توانند از آن برخوردار باشند و دیگری، وحدت قلوب است که انسجامی عمیق می‌باشد و جز گروهی که بر مدار حق باشند، از آن برخوردار نمی‌شوند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۹۶ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۵۳۳)؛ بنابراین الفت قلوب آیتی الهی، فرابشری و با انسجام‌ها و اتحادهای اجتماعی ظاهری و سطحی، کاملاً متفاوت است. الفت قلوب جز با تصرف خداوند محقق نمی‌شود؛ هم از این حیث که اساساً دل امری غیرمادی است و لذا هیچ وابستگی به مسائل اقتصادی و مادی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۴۰).

۵. بسترشناسی بحث از الفت قلوب

بر مبنای بررسی اولیه شبکه مفهومی دو آیه مورد بحث و بیانی در روابط معنایی آن‌ها، الفت قلوب هم به‌عنوان یک آیت الهی در بستر آیات قرآن و هم به‌عنوان یک پدیده در بستر پدیدارشناختی تاریخی می‌تواند مورد واکاوی قرار بگیرد. در این دو روش، تکیه بر اکتشاف فرایند ایجاد الفت قلوب و در واقع مطالعه این پدیده به‌عنوان فعل خداوند است و لذا هیچ فرضیه‌ای از پیش مطرح نیست. دامنه این تحقیق، محدود به بستر قرآن‌شناختی پدیده الفت قلوب است و اگر ورودی به حوزه پدیدارشناختی آن خواهد داشت، صرفاً در خدمت بیان روشن‌تر آیات قرآن و از باب انطباق مفهوم بر مصداق و از باب ارائه مؤید عینی بر مفهوم ذهنی می‌باشد.

مضامین پایه «آیت» و «هدایت» در بحث از الفت قلوب به‌عنوان یک آیت الهی، بر آن می‌دارد تا زنجیره آیات همسو که شامل این مضامین پایه هستند، گردآوری شود و عملیات تحلیل محتوا روی آن‌ها انجام گیرد. در این صورت اولاً جایگاه الفت قلوب در نظام آیت قرآنی مشخص می‌شود و ثانیاً می‌توان به دلالت‌هایی در عوامل به‌وجودآورنده آن دست یافت. مجموع این دو یافته اساسی، نقش کلیدی در الگوپردازی از الفت قلوب خواهند داشت.

۶. بررسی آیات حاوی «آیت»

پس از گردآوری آیات حاوی لفظ «آیت» و مشتقات آن، عملیات تحلیل انجام گرفت. در تحلیل محتوای «آیت» آن چه مدنظر بوده است، یکی بررسی مصادیق آیت و دیگری کارکردها یا کاربری آن بوده است. لفظ «آیه» با تمامی مشتقات آن در ۳۵۳ آیه ذکر شده است.

جدول شماره (۱): تحلیل آیات حاوی «آیت»

«فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره: ۷۳)		
مصدق آیه	کاربست آیه	کدگذاری
احیاء مرده با تکه گوشت گاو	تعقل در پرتو رؤیت آیه	A
«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَکِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره: ۱۶۴)		
مصدق آیه	کاربست آیه	کدگذاری
خلقت آسمان‌ها و زمین، آمد و شد شب و روز، حرکت کشتی، زنده شدن زمین مرده، گرداندن بلدها، ابرهای مسخر	تعقل در خلقت آفاق	A1
«وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أBRئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۴۹)		
مصدق آیه	کاربست آیه	کدگذاری
خلقت طیر از گل، بهبود کور مادرزاد و مبتلا به پیسی، زنده کردن مردگان، اخبار از اندرونی خانه‌ها	ایمان‌آوری از طریق معجزات انبیاء (اطلاق آیه بر امور خارق العاده)	B
«يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» (اعراف: ۲۶)		
مصدق آیه	کاربست آیه	کدگذاری
نزول لباس	تذکر	C
«وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ» (أنعام: ۹۸)		
مصدق آیه	کاربست آیه	کدگذاری

D	تفقه	پدید آوردن بنی آدم از نفس واحد
«و ما ذرأ لکم فی الأرضِ مختلفاً ألوانه إن فی ذلک لآیة لِّقَوْمٍ یذکرون» (نحل: ۱۳)		
کدگذاری	کاربست آیه	مصدق آیه
C1	تذکر	خلقت مختلف الالوان
«و کذلک أنزلنا آیاتِ بَیِّناتٍ وَ أَنْ اللّٰهُ یَهْدِی مَنْ یرِیدُ» (حج: ۱۶)		
کدگذاری	کاربست آیه	مصدق آیه
E	هدایت	قرآن
«لَقَدْ أَنْزَلْنَا آیاتٍ مُّبِیِّناتٍ وَ اللّٰهُ یَهْدِی مَنْ یشاءُ إِلَى صِراطٍ مُسْتَقِیْمٍ» (نور: ۴۶)		
کدگذاری	کاربست آیه	مصدق آیه
E1	هدایت	قرآن

بررسی همه آیات حاکی از این است که «تعقل»، «تفکر»، «تذکر»، «تشکر»، «تفقه»، «تعلم»، «تقوا»، «یقین»، «ایمان» و «هدایت» کارکردهای «آیت» رو شکل می دهند. همه کاربرت‌ها به جز «هدایت»، میان مصادیق گوناگونی که برای آیات بیان شده است، مشترک هستند؛ به این معنا که «تعقل»، «تذکر»، «تشکر» و... می توانند کاربرت همه مصادیق آیات قرار بگیرند؛ کمالینکه مواردی در جدول شماره ۱ مورد اشاره قرار گرفته است (ر.ک: کدهای A و A1 و کدهای C و C1). در این میان، کاربرت «هدایت» فقط اختصاصی یک مصداق یعنی قرآن می باشد (ر.ک: کدهای E و E1). البته در مواضعی، هدایت به تورات و انجیل نیز نسبت داده شده است؛ از جمله آیه: «وَ إِذْ آتَیْنَا مُوسَى الْکِتَابَ وَ الْفُرْقَانَ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ» (بقره: ۵۳ و آیه: «وَ قَفَّیْنَا عَلَی آثَارِهِمْ بِعِیْسَى ابْنِ مَرْیَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَیْنَ یدَیْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ آتَیْنَاهُ الْإِنجِیلَ فِیْهِ هُدًی وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَیْنَ یدَیْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًی وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِیْنَ» (مائده: ۴۶)، اما به گفته علامه طباطبایی، قرآن هیچ وقت تورات را در شمار آیات حضرت موسی^(ع) به شمار نیاورده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۸). بنابراین در میان آیات، تنها قرآن است که به وصف هدایت توصیف شده است. داده‌های حاصل از جدول نشان می دهد هم میان هدایت با دیگر کاربرت‌ها تفاوت وجود دارد و هم این که تحقق هدایت فقط طریق وحی است و دیگر آیات، نقش مستقیمی در هدایت‌گری ندارند. در سطور پیشین تحلیل آیات حاوی الفت قلوب، به این گزاره منتج شد که «الفت قلوب، آیتی است که موجب هدایت می شود». بر این اساس کشف روابط میان سه مؤلفه «قرآن»، «الفت قلوب» و «هدایت» با اجرای درست روش تحلیل محتوا می تواند زمینه الگوپردازی یا ارائه مدل از الفت قلوب را فراهم آورد (جانی‌پور و لطفی، ۱۳۹۴، ص ۳۵). بر این مبنا، لازم است آیات مربوط به این سه مضمون گردآوری شوند و در فرایند تحلیل محتوا قرار بگیرند.

۷. تحلیل محتوای آیات حاوی مضامین سه‌گانه

چون از میان آیات فقط قرآن و الفت قلوب کاربرت‌گری دارند، لذا مضمون کانونی که جدول تحلیل محتوا باید بر مدار آن سامان یابد، هدایت و مشتقات آن است. طبیعتاً تنها آن دسته آیاتی منظور است که هدایت را در نسبت با قرآن و الفت قلوب مطرح کرده باشند. بنابراین آیاتی مثل «ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَ تَفْصِيلاً لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّهِمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ» (أنعام: ۱۵۴)، «وَ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (مائده: ۴۶)، «وَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعدُّونَ» (أعراف: ۱۵۹) و «وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (أنبياء: ۷۳) که هدایت را به تورات، انجیل، گروهی از قوم موسی (ع) و امامان ذریه حضرت ابراهیم (ع) نسبت داده‌اند، از شمول تحلیل محتوا خارج خواهند بود؛ چون هیچ یک از این موارد، مصداق آیت شمرده نشده‌اند. آیات حاوی لفظ «هدی» و مشتقات آن که در نسبت با قرآن و الفت قلوب مطرح شده‌اند، ۵۴ آیه می‌باشند که بخشی از جدول تحلیل محتوا برای نمونه ذکر می‌شود.

جدول شماره (۲): تحلیل محتوای آیات حاوی مضامین سه‌گانه

«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳)				
کلیدواژگان	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	جهت‌گیری کلی
اعتصام، حبل‌الله، نعمت‌الله، الفت قلوب، آیت، هدایت	اعتصام جمعی به حبل‌اللهی	پرهیز از تفرقه با اعتصام به حبل‌الله	A1	کاربست قرآن
		افت قلوب؛ ثمره اعتصام جمعی به حبل‌الله	A2	شیوه هدایت‌گری قرآن
		افت قلوب؛ آیه‌ای برای هدایت	A3	
«وَ إِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَ تَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَ هُمْ لَا يُبْصِرُونَ» (أعراف: ۱۹۸)				
کلیدواژگان	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	جهت‌گیری کلی
هدایت، استماع، بصیرت	عدم قطعیت هدایت‌گری قرآن	این‌همانی هدایت با قرآن	B1	مواجهه با هدایت قرآن
		طریقت استماع در هدایت قرآنی	B2	کاربست قرآن

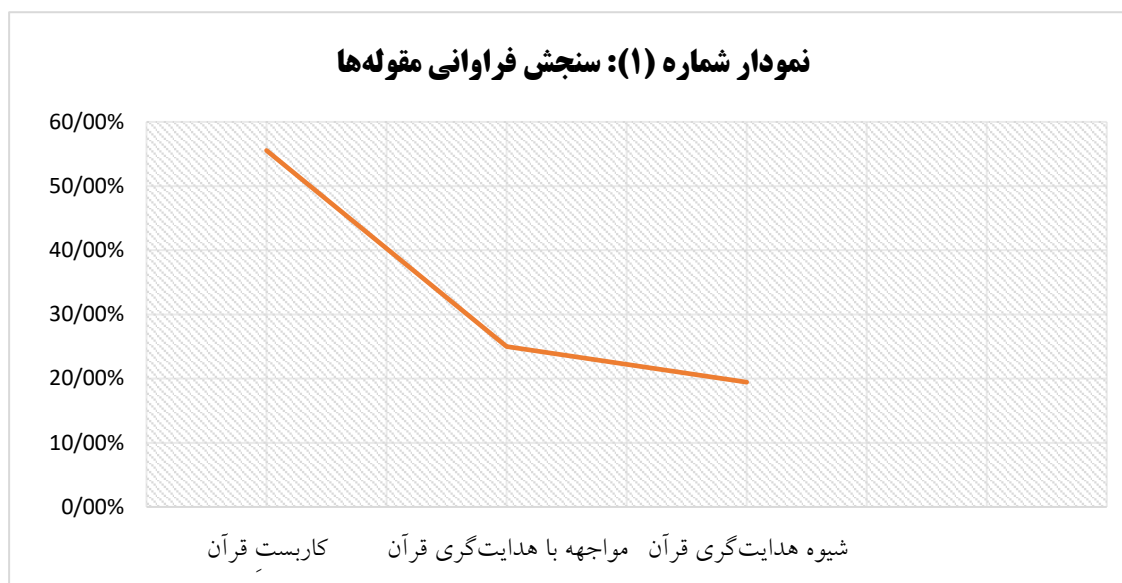
۱. مراد از هدایت در این آیه، قرآن است. (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، تسنیم جلد دوم، ص ۱۴۱ تحقیق علی اسلامی، چاپ ششم، اسراء، قم)

«قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ» (أحقاف: ۳۰)				
کلیدواژگان	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	جهت گیری کلی
استماع، کتاب(قرآن)، هدایت، حق، طریق مستقیم	اخبار جنیان از هدایت گری و حقمداری قرآن	طریقت استماع در هدایت قرآنی؛ تصدیق کننده تورات	C1	کار بست قرآن
			C2	شیوه هدایت گری قرآن
«وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (حج: ۵۴)				
کلیدواژگان	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	جهت گیری کلی
صاحبان علم، اخبات قلوب، هدایت، مؤمنان	مقدمات و علامت هدایت پذیری از قرآن	ایمان به قرآن؛ مقدمه هدایت پذیری هدایت قرآنی با خشوع و نرمی قلبها	D1	کار بست قرآن
			D2	شیوه هدایت گری قرآن
«وَمَا أَنْتَ بِهَادِ الْعُمِّيِّ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعِ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ» (روم: ۵۳)				
کلیدواژگان	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	جهت گیری کلی
هدایت، استماع، مؤمن، مسلم	مشروط بودن هدایت گری قرآن	ایمان به آیات؛ زمینه هدایت پذیری قرآنی اطلاق سمع بر هدایت	E1	مواجهه با هدایت قرآن
			E2	شیوه هدایت گری قرآن
«وَأَنْ أُنزِلُوا الْقُرْآنَ فَمَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ» (نمل: ۹۲)				
کلیدواژگان	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	جهت گیری کلی
تلاوت، هدایت، ضلالت، منذر	هدایت؛ کارکرد اصلی تلاوت	نقش تلاوت در هدایت گری انذار؛ نقش حضرت رسول (ص) هدایت یا ضلالت؛ آثار مواجهه با قرآن	F1	مواجهه با هدایت قرآن
			F2	شیوه هدایت گری قرآن
			F3	
«اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضَلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (زمر: ۲۳)				
کلیدواژگان	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	جهت گیری کلی

کاربست قرآن شیوه هدایت‌گری قرآن	G1	الهی بودن، نووارگی، همسانی و هماهنگی؛ الزامات قرآن در هدایت‌کنندگی	بیان چیستی هدایت الهی	احسن الحدیث، جمع شدن پوست، لینت پوست، لینت قلوب، هدایت، ضلالت
	G2	ظهور هدایت‌یافتگی در لینت پوست و لینت قلب		
	G3	عدم قطعیت هدایت‌گری قرآن		
ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِيْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ (بقره: ۲)				
جهت‌گیری کلی	کدگذاری	مضامین فرعی	مضمون اصلی	کلیدواژگان
کاربست قرآن	H1	قرآن؛ کتابی محکم و تردیدناپذیر	هدایت‌گری مشروط قرآن	کتاب، ریب، هدایت، متقین
	H2	تقوا؛ زمینه هدایت‌پذیری از قرآن		

۷-۱. تحلیل داده‌ها

پس از ترسیم جدول تحلیل محتوا و احصاء مضامین اصلی و فرعی و جهت‌گیری‌ها، نوبت به ارائه تحلیل‌ها و یافته‌های حاصل از داده‌ها می‌رسد. در روش تحلیل محتوا، از اطلاعات کمی در ارائه تحلیل‌های کیفی بهره برده می‌شود. مراد از تحلیل کمی، شمارش فراوانی عناصر متن اعم از کلیدواژگان، مضامین و جهت‌گیری‌های کلی آن است (باردن، ۱۳۷۵، ص ۱۳۱). یکی از ویژگی‌های تحلیل محتوا، ابتدای یافته‌های تحلیلی کیفی به تحلیل‌های کمی است (نئوندورف، ۱۳۹۵، ص ۷۷)؛ به تعبیر دیگر، تحلیل‌های کمی، دست‌مایه‌ی پژوهشگر برای ورود روشمند به تحلیل‌های کیفی و ارائه نتایج، یافته‌ها و گزاره‌های علمی است (کرپیندورف، ۱۳۷۳،



ص ۴۷). بنابراین در گام اول، نمودار سنجش فراوانی جهت‌گیری‌های آیات بر اساس جدول تحلیل محتوا ترسیم می‌شود تا زمینه ورود به تحلیل‌های کیفی فراهم آید.

بر پایه داده‌های حاصل از نمودار شماره (۱)، مقوله‌بندی آیاتی که هدایت در آن‌ها در نسبت با قرآن کریم و الفت قلوب مطرح شده است، به ترتیب فراوانی بالا به شکل زیر صورت‌بندی می‌شود:

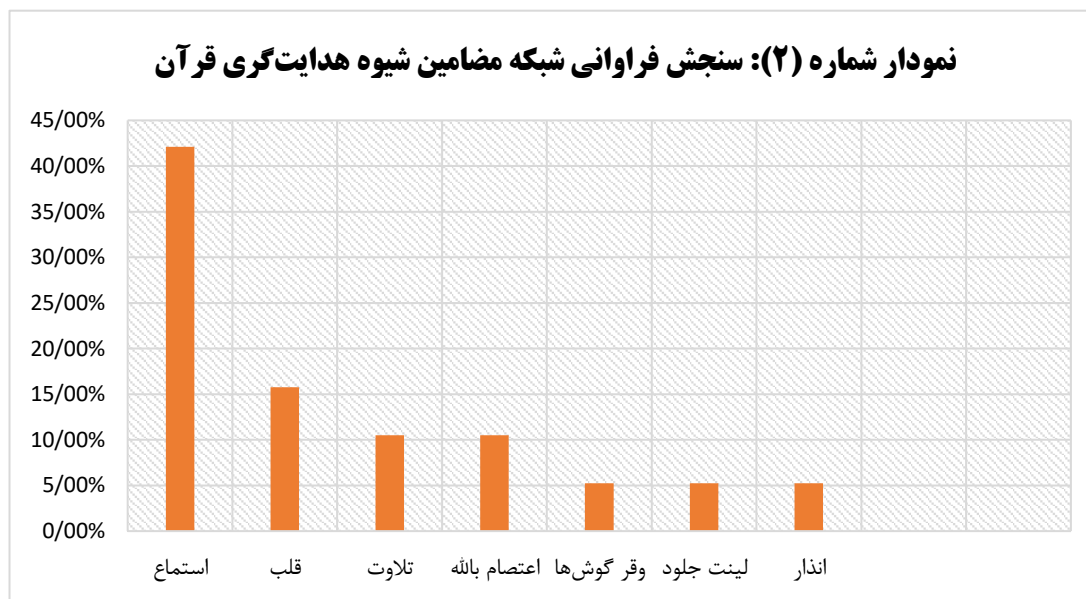
- مقوله اول: کار بست قرآن
- مقوله دوم: مواجهه با هدایت‌گری قرآن
- مقوله سوم: شیوه هدایت‌گری قرآن

تقریر سنجش فراوانی مقوله‌ها به این صورت است: بیان و معرفی کار بست قرآن با فاصله بسیار زیاد از دیگر مقوله‌ها، بیشترین فراوانی را در میان آیات مورد تحلیل داشته است. مطابق بررسی و تحلیل این دسته از آیات، «هدایت»، «بشارت»، «رحمت»، «بصیرت»، «موعظه»، «شفاء» و «انذار» کار بست‌ها یا کارکردهای قرآن به شمار می‌آیند. از این میان، کار بست «هدایت» و سپس «رحمت» بیشترین فراوانی را دارند. بر این اساس، کار بست اصلی قرآن کریم بیش از هر چیز دیگری، هدایت انسان است. هدایت‌گری قرآن به نحوی نیست که مخاطب ملزم به دریافت هدایت باشد. به تعبیر دیگر، مواجهه مخاطب با هدایت قرآنی و دریافت هدایت، زمینه‌مند است و لذا قطعی نیست (کدهای E1 و G3). بسته به بود و نبود زمینه‌ها، نوع مواجهه می‌تواند دریافت هدایت قرآنی یا ضلالت مخاطب باشد (کد F3). اصل اینکه قرآن موجب هدایت می‌شود، با توجه به کار بست اصلی آن روشن است، اما اینکه مخاطب چرا و چگونه در مواجهه با قرآن به ضلالت کشیده می‌شود، مسئله مهمی است که هر چند مفسران در مواردی به آن پرداخته‌اند، همچنان جای بحث دارد. همانطور که بیان شد، هدایت‌گری قرآن مشروط و زمینه‌مند است. یکی از این زمینه‌ها، حال مخاطب، تقوای او و ایمانش به آیات الهی است (کدهای D1 و E1 و H2). اما زمینه دوم در هدایت‌گری قرآن، به شیوه بیان و ابلاغ آیات قرآن رجوع دارد که در واقع ناظر به مقوله سوم یعنی شیوه قرآن در هدایت‌گری می‌باشد. با

توجه به مسئله این مقاله که بر تحلیل کیفیت هدایت‌گری قرآن و نسبت آن با الفت قلوب و در نهایت الگوبردازی از سازوکار الفت قلوب تمرکز دارد، لازم است به تحلیل‌های کمی و کیفی در زمینه مقوله سوم پرداخته شود.

۸. تحلیل شیوه هدایت‌گری قرآن

منظور از شیوه هدایت‌گری قرآن، مجموعه مؤلفه‌هایی است که در تحقق هدایت قرآنی ایفای نقش می‌کنند. تحلیل محتوای کمی کلیدواژگان مستخرج از مجموعه آیاتی که در شمول مقوله سوم قرار گرفته‌اند، می‌تواند در کنار مضامین فرعی پایه تحلیل‌های کیفی قرار بگیرد. کلیدواژگان یا مؤلفه‌های مرتبط با مقوله شیوه هدایت‌گری قرآن بر اساس جدول تحلیل محتوا، عبارت از «تلاوت»، «استماع»، «لینت قلوب»، «اخبار قلوب»، «طبع قلوب»، «وقر گوش‌ها»، «اقشعرار جلود»، «لینت جلود»، «اعتصام بالله»، «اعتصام بحبل‌الله» و «انذار» می‌باشند. نمودار سنجش کمی با این دو ملاحظه که مؤلفه‌های لینت قلوب، اخبار قلوب و طبع قلب در مؤلفه «قلب» و مؤلفه‌های اعتصام بالله و اعتصام بحبل‌الله ادغام شده‌اند، به صورت زیر است:



با دقت نظر در این مؤلفه‌ها و آیات حامل آن‌ها، معلوم می‌شود بعضی در مقام مقسم و بعضی قسیم آن‌ها هستند؛ «تلاوت»، «استماع» و «قلب» سه مقسم هستند که سایر مؤلفه‌ها یا ذیل آن‌ها قرار می‌گیرند یا در مقامی کلان‌تر، پوشش‌دهنده همه آن‌ها هستند. اعتصام به الله یا اعتصام به حبل‌الهی، به منزله کبرای کلی است که اعتصام به تلاوت قرآن و حضرت رسول (ص) را دربرمی‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۶۵)؛ انذار نیز بر محور قرآن شکل می‌گیرد. هرچند حضرت رسول (ص) به واسطه قرآن شأن انذار دارد (کد F2)، اما مطابق دیگر آیاتی که می‌فرماید: «...وَأَوْحِي إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغ...» (أنعام:

۱۹) و با عنایت به عبارت «مَنْ بَلَغَ» که همه مردمان عصر حضرت رسول (ص) و عصرهای آینده تا قیامت را شامل می‌شود، این قرآن است که در هر زمانی و توسط هر کسی که به سمع مردم برسد، مندر است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۱۴). پس انداز نیز در بطن اعتصام به حبل الهی و تلاوت و استماع قرآن قرار دارد. مؤلفه «وقر گوش‌ها» نیز به ظرف استماع قرآن و سنگینی گوش‌ها در برابر آن اشاره و ارتباط دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۵ و ۲۶)؛ «اقشعرار و لیت جلود» از اثری حکایت دارد که مخاطب تحت تأثیر استماع قرآن دریافت می‌کند. اقشعرار یعنی جمع شدن شدید پوست به خاطر غلبه ترس است و لیت و نرمی پوست به سبب سکون و طمأنینه می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۲۵۶). در این میان، «قلب» شأنی متفاوت از دیگر مؤلفه‌ها دارد. هر چند «لینت قلب» هم تراز با «لینت جلود» و در سیاق واحدی مطرح شده است (کد G2)، عباراتی چون «اخبارت قلوب» و «طبع قلوب»، بر این معنا دلالت می‌کنند که قلب، ظرف اصلی دریافت معرفت و هدایت قرآنی است. مطابق گزاره «وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ...»، اخبارت که به معنای خشوع است، خود از لوازم علم و از خصوصیات صاحبان علم است (آصفی، ۱۴۳۱، ص ۳۷). طبع قلب نیز در گفتمان قرآن، مانع اصلی تفقه معارف قرآن است. همچنانکه می‌فرماید: «...فَطَبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» (منافقون، ۳) بنابراین «قلب» در شبکه مضامین شیوه هدایت‌گری قرآن جای دارد. بدین ترتیب مضامین سه‌گانه «تلاوت»، «استماع» و «قلب»، شبکه مضامین شیوه هدایت‌گری قرآن را تشکیل می‌دهند. با این تقریر که حقایق قرآن از طریق استماع تلاوت، به قلب مخاطب منتقل خواهد شد. نسبت استماع با قلب نیز نسبت بعیدی نیست و خود قرآن به چنین نسبتی تصریح کرده است. در آیه «أ و لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصْبَأَهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ» (أعراف: ۱۰۰)، میان «هدایت»، «استماع» و «قلب» رابطه‌ای برقرار شده است. چنان‌که گفته‌اند، مُدْرِكِ اصْلِي حَقَائِقِ قُرْآن، قلب است و به همین خاطر استماع قرآن به قلب نسبت داده شده است (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۴، ص ۷۹).

۸-۱. نسبت‌سنجی الفت قلوب با شیوه هدایت‌گری قرآن

برونداد تحلیل شیوه هدایت‌گری قرآن به سه ضلعی «استماع»، «قلب» و «تلاوت» منتهی شد. بر این اساس، هدایت قرآنی پس از استماع تلاوت و درون قلب با حالتی از «لینت قلب» محقق می‌شود. بسیاری از مفسران ذیل آیه «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (زمر: ۲۳)، اشاره‌هایی به سازوکار تحقق هدایت قرآنی که ظهورش با «لینت قلب» همراه است داشته‌اند. از دیدگاه آنان، به موجب «استماع تلاوت» است که این هدایت محقق می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۷۳ و طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۳، ص ۱۳۵ و ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۳۱۷ و زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۲۴ و ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۸۴ و طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۲۵۶ و کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۸، ص ۹۱ و صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۵،

ص ۳۲۷ و قرشی، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۲۸۸ و مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص ۶۶). بنابراین معلوم می‌شود هدایت خاص قرآن نسبت وثیقی با قلب انسان دارد. علامه طباطبایی، مراد از هدایت ویژه قرآنی را «انبساط خاص فی القلب» ذکر کرده و آیه «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ ... ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (زمر: ۲۲ و ۲۳) را به‌عنوان مؤید آن بیان می‌کند. سخن ایشان درباره وصف هدایت به نور در این آیه چنین است: «و قد وصفه في الآية بالنور لأنه ينجلي به للقلب» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۴۶ و ۳۴۷). بنابراین هدایت خاص قرآنی در قلب رخ می‌دهد. راغب اصفهانی هدایت را «دلالة بلطف» یعنی راهنمایی با نوعی لطافت و نرمی تعریف کرده که با بیان علامه طباطبایی در تعریف هدایت خاص قرآن کاملاً تناسب و همسویی دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۳۵). سید قطب که در کتاب التصوير الفنی خود تلاش کرده ابعادی از اعجاز هنری و نمایشی قرآن را به تصویر بکشد، با ذکر گزاره «التأثر الوجداني لسماع القرآن» در توضیح مجموعه‌ای از آیات قرآن که به حال مخاطب پس از مواجهه با قرآن اشاره دارند، بر این عقیده است که اساساً منشأ «سحر» نامیدن قرآن از جانب معاندان، دقیقاً به همین اثر سماع تلاوت آیات که بسیاری را متحول کرده و به وادی ایمان کشانده، برمی‌گردد. ایشان علاوه بر استناداتی که به آیات قرآن دارد، بخشی از شواهد تاریخی در این زمینه را نیز نقل کرده است (سید قطب، ۱۴۱۵، ص ۱۶). تلاش مخالفان قرآن برای ممانعت از استماع آن با استناد به آیه «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ» (فصلت: ۲۶)، نشان از تأثیر تحول‌آفرین استماع تلاوت قرآن در مخاطب دارد. زرکشی از این تأثیر با گزاره «فترق القلوب و تلین الأفتدة» تعبیر کرده است (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۶۴) که با مباحث مطرح شده در سطور پیشین و اطلاق هدایت ویژه قرآنی بر لینت قلب متأثر از استماع تلاوت، همسو است.

بر این اساس الفت قلوب که خود محصول اعتصام به حبل الهی یعنی تلاوت قرآن و حضرت رسول (ص) است و در نقش آیتی هدایت‌گر قرار دارد (کدهای A1 و A2)، نسبتش با هدایت خاص قرآنی که ظهورش در لینت قلب است، روشن می‌شود؛ با این تقریر که لینت قلبها در سطح فرد فرد جامعه، به‌طور طبیعی الفت قلوب در سطح جامعه و میان اجزای اجتماع را فراهم می‌آورد. در واقع الفت قلوب با استناد به گزاره «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا...» (آل عمران: ۱۰۳)، ثمره نوعی اعتصام جمعی و همگانی است؛ از این رو الفت قلوب در ساحت اجتماعی مطرح است و از لینت قلب افراد جامعه به‌واسطه دریافت هدایت ویژه قرآنی تغذیه می‌کند. بنابراین آیت‌مندی الفت قلوب و انحصار آن به نیرویی مافوق بشر یعنی وحی الهی و کاربست آن در تحقق هدایت اجتماعی، توجیه می‌شود.

۸-۲. رهیافتی پدیدارشناختی به پدیده الفتِ قلوب در عرب عصر نزول

در کنار تحلیل محتوای آیات قرآن و طرح مباحث نظری و با توجه به سنخ تاریخی و تجربی پدیده الفتِ قلوب، تحلیل گزارشات تاریخی در خصوص شأن نزول آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳) با رویکرد پدیدارشناسانه، خواهد توانست در الگوپردازی پدیده الفتِ قلوب به عنوان مؤیدی بر یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای زنجیره آیات همسو عمل کند. این آیه وضع دو قبیله اوس و خزرج را بیان می‌کند. سیره‌نگاران و برخی مفسران از جمله ابوالفتح رازی ذیل این آیه، ماجرای مفصل دو قبیله اوس و خزرج و تألیف قلوب میان آن‌ها را نقل کرده‌اند. از خلال این نقل‌ها، سازوکار تألیف قلوب میان دو قبیله به دست می‌آید. طبق این نقل، عداوت عمیق اوس و خزرج بیش از ۱۲۰ سال به طول انجامید تا این که به عهد رسول الله (ص) متصل شد. حضرت رسول (ص) به طور جداگانه، از هر قبیله تعدادی را به حضور می‌خواندند و بر آن‌ها قرآن تلاوت می‌کردند. همچنین یک مقری تعیین و به مدینه ارسال کردند. آن مقری بر مردانی از قبایل اوس و خزرج قرآن تلاوت می‌کرد. نقل این وقایع حاکی از نوعی انبساط درونی و تحوّل معنوی در کسانی است که قرآن بر آن‌ها تلاوت شده است. گزارش فرازهایی از آن چه در این دیدارها رخ داده، به این صورت است:

- سوید بن الصّامت من بنی عمرو بن عوف^۱ به مکه آمد به حجّ یا به عمره... و رسول علیه السلام به دعوت برخاسته بود. رسول علیه السلام بیامد و او را دعوت کرد و با خدای و با اسلام خواند او را. سوید گفت: همانا این که تو داری مانند آن است که من دارم. رسول علیه السلام گفت: تو چه داری؟ گفت: مجله لقمان، یعنی کتاب حکمت او. رسول علیه السلام گفت: عرضه کن بر من. او عرضه کرد. رسول علیه السلام گفت: این کلامی نیکوست و آنچه با من است، از این نیکوتر است، آن کلام خداست و خدای از آسمان فرستاده است علیّ نور و هدی. و قرآن بر او خواند. او از اسلام دور نبود و خوش آمد او را. آنچه بشنید برگشت و با مدینه آمد... او را خزرجیان کشتند و قوم او دعوی کنند که: اسلام آورده بود.

- جماعتی آمدند از انصار و رسول را علیه السلام عادت بودی که در اوقات مواسم چون شنیدی که جماعتی آمده‌اند، بیامدی و ایشان را دعوت کردی. رسول علیه السلام بنزدیک عقبه رسید، شش مرد را دید از خزرج... ایشان را گفت: شما چه قومی؟ گفتند: ما جماعتی ایم از خزرج. گفت: از موالی جهودان؟ گفتند: آری. گفت: بنشینید تا با شما سخنی گویم، ایشان بنشستند. رسول علیه السلام ایشان را دعوت کرد با دین اسلام و اسلام برایشان عرض کرد و قرآن برایشان خواند. ایشان بنشیندند و اندیشه کردند... ایشان هر شش به رسول علیه السلام ایمان آوردند.

^۱ فردی از قبیله اوس

• و رسول علیه السلام مصعب بن عمیر بن هاشم بن عبد مناف را به ایشان^۱ بفرستاد تا قوم را دعوت کنند، و اینان را قرآن و شرع آموزد. او بیامد و به سرای اسعد بن زراره فرود آمد و مردم را قرآن می‌آموخت و قرآن برایشان خواند. روزی سعد بن معاذ، اسید بن حضیر را گفت: بیا تا برویم و این دو مرد را که اغوا و اضلال سفیهان قوم ما می‌کنند زجر کنیم و برانیم ایشان را، و الاّ تو خود برو که اسعد پسر خاله من است، من از او شرم دارم... اسید فراز آمد و روی در مصعب نهاد و گفت- به لفظی درشت و روی ترش: چه کار را آمده و سفیهان ما را گمراهی می‌دهی! برخیزید و از این شهر بروی اگر شما را هلاک خود آرزو نیست، و جان خود به کار است شما را. مصعب گفت او را: اگر بنشین و از من چند سخن بشنوی، اگر با رای تو موافق باشد فهو المراد، و اگر بر خلاف آن باشد که تو را رای بود خود انگار که نشنیدی. اسید گفت: با انصاف گفتم. آنکه حربه به زمین فرود زد و بنشست، و مصعب چند آیت قرآن بر او خواند، و وصف اسلام با او بگفت و او می‌شنید و روی او تازه می‌شد و بشاشت و استبشار در او پدید آمد، تا گفتند: و الله که ما مسلمانی در روی او بشناختیم.

• اسعد بن زراره، مصعب را گفت: این رئیس قوم است^۲ و اگر این مرد اجابت کند ما را، ما را در این شهر هیچ مخالف نماند. مصعب گفت: ای جوانمرد! اگر بنشینی و سخنی بشنوی و اندیشه کنی، اگر تو صواب آید، و الاّ آنچه رای تو باشد می‌کنیم. سعد گفت: انصاف دادی، آنکه بنشست و مصعب حدیث اسلام و طریقه مسلمانی و مکارم اخلاق وصف کردن گرفت، و از قرآن پارهای بر خواند. او می‌گفت و روی سعد می‌شکفید و تازه می‌شد تا محبت اسلام در روی او ظاهر شد پیش از آن که بر زبان راند (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۶۵ تا ۴۷۳).

این گزارش حاکی از محوریت قرآن در الفت قلوب و طریقت سه ضلعی تلاوت، استماع و قلب (با تأکید بر اخبات قلوب و لیت قلوب) می‌باشد.

نتیجه‌گیری

واکاوی الفت قلوب به‌عنوان یک پدیده و تحوّل شگرف اجتماعی که در میان مردمان عصر حجاز رخ داده و در لسان قرآن کریم به‌عنوان آیتی هدایت‌گر از آن نام برده شده و بسیاری از اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان از آن به‌عنوان یک پدیده شگفت‌انگیز یاده کرده‌اند، در دو سطح صورت پذیرفت؛ یک سطح، بر محور آیات حاوی الفت قلوب و پیدایی زنجیره آیات همسو و نهایتاً اجرای فرایند تحلیل محتوا روی آن‌ها و سطح دیگر، با نگرشی پدیدارشناختی به این واقعه انجام شد. یافته‌های این پژوهش در گزاره‌های ذیل صورت‌بندی می‌شود:

در پاسخ به کیفیت سازوکار تحقق الفت قلوب میان قبایل به‌شدت متخاصم عرب، این‌گونه می‌توان گفت که: بررسی زنجیره آیات همسو با مضامین سه‌گانه «هدایت»، «قرآن» و «الفت قلوب»، داده‌ها و مضامین مهمی در

^۱ مراد گروهی از قبیله خزرج و اوس است.

^۲ سعد بن معاذ؛ رئیس قبیله اوس بود.

تحلیل کیفیت شیوه هدایت‌گری قرآن به دست می‌دهد. این مضامین سه‌گانه، شبکه مفهومی شیوه هدایت‌گری قرآن را شکل دادند. معلوم شد هدایت‌خاص قرآنی که در واقع ظهور نوعی لطافت و انبساط خاص در قلب است، از طریق استماع تلاوت به قلب منتقل و بر اثر دریافت و تحقق این هدایت، «لینتِ قلب» برای مخاطب حاصل می‌شود. لینتِ قلب در ساحتِ فردی، اصلی‌ترین زمینه و عامل الفتِ قلوب در ساحت اجتماعی بوده است. نگرش پدیدارشناختی به الفت قلوب به‌عنوان یک واقعیت تاریخی و اجتماعی، نشان می‌دهد ابتدا تحوّل درونی تحت تأثیر استماع تلاوت قرآن در افراد ایجاد شده است و بعد از آن، الفت قلوب میان آن‌ها به‌وجود آمد.

چیستی نسبت پدیده الفت قلوب با اعجاز قرآن، این‌گونه تقریر می‌شود: پس از بررسی نظام آیات در قرآن کریم، معلوم شد مصادیق متنوعی از آیات با کارکردهای متفاوتی همچون «تعقل»، «تشکر»، «تذکر»، «تفکر»، «تفقه»، «تعلم»، «تقوا»، «ایمان» و «هدایت» وجود دارند که در این میان، کارکرد «هدایت» اختصاصی قرآن و الفت قلوب به‌عنوان دو مصداق از آیات الهی می‌باشد. از این رو آیت‌مندی قرآن کریم، دائرمدار هدایتی است که ظهور آن با نوعی لینتِ قلب همراه است. بنابراین الفت قلوب جلوه اجتماعی آیت‌مندی قرآن کریم است به‌نحوی که بدون دخالتِ وحی، هرگز در میان اقوام عرب محقق نمی‌شد. این پدیده، امری فرابشری بوده که خارج از نظام عادی عالم رخ داده است و با وحدت‌های مرسوم اجتماعی متفاوت است. در بهترین حالت، نیروی بشرِ عادی تنها قادر بوده و هست که حول منافع مادی، انسجام‌ها و اتّحادهای اجتماعی ظاهری و سطحی شکل بدهد.

منابع

- قرآن کریم.
 - نهج البلاغه.
۱. آصفی، محمدمهدی (۱۴۳۱ق). *حوارات و إشارات حول المرجعية والفقهية*. نجف اشرف: المجمع العالمي لأهل البيت^(ع).
 ۲. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
 ۳. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ق). *تاریخ ابن خلدون*. بیروت: دارالفکر.
 ۵. ابن عربی، محی‌الدین محمد (۱۴۲۲ق). *تفسیر ابن عربی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۶. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
 ۸. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
 ۹. ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۱۰. ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). *الفروق فی اللغة*. بیروت: دار الآفاق الجديدة.
۱۱. باردن، لورنس (۱۳۷۵ش). *تحلیل محتوا*. ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
۱۳. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش). *المحاسن*. قم: دار الکتب الإسلامية.
۱۴. بلاغی، محمدجواد (۱۴۲۰ق). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*. قم: بنیاد بعثت.
۱۵. جانی‌پور، محمد و لطفی، مهدی (۱۳۹۴ش). نقش آیات اخلاقی قرآن کریم در تدوین نظام هدایت فردی و اجتماعی، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۱۲ (۲)، ۲۷ - ۵۳.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ش). *بنیان مرصوص امام خمینی (ره)*، محقق: محمدمبین شاهجوئی، قم: إسرائ.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش). *تسنیم*. جلد اول. محقق: علی اسلامی، قم: إسرائ.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش). *تسنیم*، جلد هجده. محقق: حسین اشرفی و روح‌الله رزقی، قم: إسرائ.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم.
۲۰. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق). *البرهان فی علوم القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
۲۱. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دار الکتب العربی.
۲۲. سید قطب، سید ابراهیم حسین شاذلی (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق.
۲۳. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۲۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳ش). *شرح اصول الکافی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
۲۷. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *العين*. قم: نشر هجرت.
۲۹. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۸ق). *الأصفی فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۰. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷ش). *أحسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.
۳۱. قمی مشهیدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ش). *کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تحقیق حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۲. کاشانی، ملا فتح‌الله (۱۳۳۶ش). *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.

۳۳. کریپندورف، کلاوس (۱۳۷۳ش). تجزیه و تحلیل محتوا. *رسانه*. (۱)۱، ۴۶ - ۵۰. DOI: -
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق). *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب^(ع).
۳۶. نئوندورف، کیمبرلی ای (۱۳۹۵ش). *راهنمای تحلیل محتوا*. مترجمان: حامد بخشی و وجیهه جلائیان بخشنده. مشهد: جهاد دانشگاهی.

۳۷. واعظی، محمود و جدی، حسین (۱۳۹۹ش). ابعاد شناختی قلب در منظومه معرفتی قرآن کریم.

پژوهش‌های قرآن و حدیث، (۱)۵۳، ۲۳۹ - ۲۵۷. DOI: .

[10.22059/JQST.2020.297452.669473](https://doi.org/10.22059/JQST.2020.297452.669473)

References

The Holy Qur'an.

Nahj al-Balagha.

1. Āsifi, Mohammad Mahdi (1431 AH). *Hiwārāt wa Ithārāt Hawl al-Marja'īyya wal-Fiqāhah*, Najaf Ashraf: Al-Majma' al-Ālamī li Ahl al-Bayt (as).
2. Ālousī, Sayed Mahmoud (1415 AH). *Rūh al-Ma'anī fī Tafsīr al-Qur'an al-'Azeem*, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīya.
3. Ibn Bābiwayh, Muhammad Ibn Ali (1413 AH). *Man Lā Yahdaruh al-Faqīh*, Qom: Islamic Publications Office.
4. Ibn Khaldūn, 'Abd al-Rahman bin Muhammad (1408 AH). *Ta'rīkh Ibn Khaldūn*, Beirut: Dar al-Fikr.
5. Ibn 'Arabī, Muhyuddīn Muhammad (1422 AH). *Tafsīr Ibn 'Arabi*, Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-'Arabī.
6. Ibn Fāris, Ahmad (1404 AH). *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah*, Qom: Maktab al-'A'lām al-Islamī.
7. Ibn Kathīr, Ismail bin 'Amr (1419 AH). *Tafsīr al-Qur'an al-'Azeem*, Beirut: Dar al-Kutub Al-'Ilmīya.
8. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mukrim (1414 AH). *Lisān al-'Arab*, Beirut: Dar Sādir.
9. Abul Futūh Rāzī, Hossein bin Ali (1408 AH). *Rawd al-Jinān wa Rūh al-Janān fī Tafsīr al-Qur'an*, Mashhad: Āstan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
10. Abu Hilāl 'Askarī, Hassan bin Abdullah (1400 AH). *Al-Furūq fī al-Lughah*, Beirut: Dar al-Āfāq al-Jadīla
11. Burden, Lawrence (1996), *Content Analysis* [translated by Maleeche Ashtiani and Mohammad Yamani Dozi,] Tehran: Shahid Beheshti University.
12. Bahrānī, Sayed Hashem (1416 AH). *Al-Burhān fī Tafsīr al-Qur'an*, Tehran: Bi'that Foundation.
13. Barqī, Ahmed bin Muhammad (1992), *Al-Mahāsin*, Qom: Dar al-Kutub al-Islamī.
14. Balāghī, Mohammad Jawad (1420 AH). *Ālā'r al-Rahmān fī Tafsīr al-Qur'an*, Qom: Bi'that Foundation.
15. Janipour, Mohammad and Lotfi, Mehdi (2014). The role of moral verses of the Holy Qur'an in developing the individual and social guidance system, *Research on Qur'an and Hadith Sciences*, Year 12: 53-27.
16. Javadi Amoli, Abdullah (2005), *The Firm Foundation of Imam Khomeini (RA)* [Researcher: Mohammad Amin Shahjou'i,] Qom: Isra.

17. Javadi Amoli, Abdullah (2009), Tasnim Commentary, first volume [Researcher: Ali Eslami,] Qom: Isra.
18. Javadi Amoli, Abdullah (2010), Tasnim Commentary, eighteenth volume [Researcher: Hossein Ashrafi and Ruhollah Rizqi,] Qom: Isra.
19. Rāghib Esfahānī, Hossein bin Muhammad (1412 AH). Mufradāt Alfāz al-Qur'an, Beirut: Dar al-Qalam.
20. Zarkashī, Muhammad bin Abdullah (1410 AH). Al-Burhān fī 'Ulūm al-Qur'an, Beirut: Dar al-Ma'rifa.
21. Zamakhsharī, Mahmoud (1407 AH). Al-Kashāf'an Haqā'iq Ghawāmid al-Tanzīl, Beirut: Dar al-Kitab al-'Arabī.
22. Sayed Qutb, Sayed bin Qutb bin Ibrahim Shazilī (1412 AH). Fī Zilāl al-Qur'an, Beirut: Dar al-Shurūq.
23. Sādeqī Tehrani, Mohammad (1986), Al-Furqān fī Tafsīr al-Qur'an bil-Qur'an, Qom: Islamic Farhang Publications.
24. Sadr al-Din Shīrāzī, Mohammad bin Ibrahim (2004), Sharh Usūl al-Kāfī, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
25. Tabātabā'ī, Mohammad Hossein (1417 AH). Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'an, Qom: Islamic Publications Office.
26. Tabrisī, Fadl bin Hassan (1993), Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an, Tehran: Nasser Khosrow.
27. Tabarī, Muhammad bin Jarīr (1412 AH). Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an, Beirut: Dar al-Ma'rafa.
28. Farāhīdī, Khalil bin Ahmad (1409 AH). Al-'Ain, Qom: Hijrat Publishing.
29. Fa'id Kāshānī, Mullā Mohsen (1418 AH). Al-Asfā fī Tafsīr al-Qur'an, Qom: Islamic Propagation Office.
30. Qurashī, Ali Akbar (1998), Ahsan Al-Hadith, Tehran: Bi'that Foundation.
31. Qomī Mashhadī, Mohammad bin Mohammad Reza (1989), Kanz al-Daqā'iq wa Bahr al-Gharā'ib [Researcher: Hossein Dargahi,] Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
32. Kāshānī, Mulla Fathullāh (1957), Manhaj al-Sādiqain fī Ilzām al-Mukhālifain, Tehran: Mohammad Hassan Elmi's Bookstore.
33. Krippendorf, Klaus (1994), "Content Analysis," Media, 1: 46-50.
34. Makarem Shirazi, Nasser (1995), The Commentary of Nemooneh, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamī.

35. Makarem Shirazi, Nasser (1421 AH). *Al-Amthal fī Tafsīr Kitāb Allah al-Munzal*, Qom: Madrasah of Imam Ali bin Abi Tālib (as).

36. Neendorf, Kimberly E (2016), *Content Analysis Guide* [Translators: Hamed Bakhshi and Wajihe Jalaian-Bakhshandeh,] Mashhad: University Jihad.

37. Vaezi, Mahmoud and Jedi, Hossein (2018), "Cognitive dimensions of the heart in the epistemic system of the Holy Qur'an," *Research on Qur'an and Hadith Sciences*, 53: 239-257.